در شهر
سال نهم
شماره ۱۰۰۰
یکشنبه
۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۹
۲۴ جمادی الاول ۱۴۳۱
۹ می ۲۰۱۰
دبیر صفحه : زهرا بیگلری

مدیر عامل شرکت شهرک های صنعتی /

ایجاد نواحی صنعتی به اشتغال پایدار منجر می شود

جلسه ای با حضور "عبدالامیر بصری" مدیر عامل شرکت شهرک های صنعتی هرمزگان، "فردی" فرماندار شهرستان بندرلنگه در خصوص رفع مشکل زمین ناحیه صنعتی بندرلنگه برگزار شد.دراین جلسه مهندس بصری اعلام نمود: ایجاد ناحیه صنعتی بندرلنگه یکی از مصوبات دور دوم سفر ریاست جمهوری می باشد که مطالعه، امکان سنجی و مکانیابی آن با هماهنگی اداره منابع طبیعی شهرستان انجام و اراضی مورد درخواست این شرکت به میزان ۴۰ هکتار در کنار روستای بندر معلم واقع شده است که به همین دلیل دارای معارض می باشد. وی خاطر نشان کرد: ایجاد این ناحیه صنعتی در شهرستان باعث رونق اقتصادی ، صنعتی و اشتغالزایی پایدار و از بین رفتن بیکاری اهالی منطقه خصوصا مردم روستاهای بندرمعلم و اطراف می شود.

به گفته بصری؛با توجه به اینکه در حال حاضر کلیه قطعات در شهرک صنعتی بندرلنگه فاز اول به متقاضیان واگذار شده این امر باید هر چه سریعتر انجام تا این شرکت نسبت به آماده سازی ، بستر سازی و واگذاری آن اقدام نماید. در ادامه نیز فرماندار شهرستان بندرلنگه افزود: ناحیه صنعتی یکی از اولویت های سرمایه گذاری و صنعت در شهرستان می باشد و این امر باعث رونق صنعت و اقتصاد و حتی اشتغال و از بین رفتن بیکاری در منطقه می شود.

برگزاری المپیاد ریاضی دانش آموزان در"تخت"

به همت نمایندگی آموزش و پرورش تخت دانش آموزان مقطع راهنمایی در المپیاد ریاضی با یکدیگر به رقابت پرداختند.

در این رقابت دانش آموزان مدارس راهنمایی در دو مرحله المپیاد ریاضی و مسابقه رسم شرکت کردند و در آستانه ی آغاز امتحانات نوبت دوم توانمندی خویش را آزمودند.

"اصغر عزیزی پور تختی"سرپرست نمایندگی آموزش و پرورش تخت هدف از برگزاری این المپیاد و مسابقه علمی را افزایش انگیزه دانش آموزان و گسترش فرهنگ رقابت علمی در جهت بستر سازی برای موفقیت آینده دانش آموزان و ایجاد علاقه بیشتر برای ادامه تحصیل در رشته ریاضی اعلام کرد.

همچنین از سوی نمایندگی آموزش و پرورش تخت به دانش آموزان برتر درالمپیاد و مسابقه رسم هدایایی اهدا شد.

دوربین در شهر

کلیه هم استانی های عزیز از این پس می توانند عکس های مربوط به حوزه شهری شامل رخ دادها ، انتقادی ، حوادثی را به روزنامه دریا ارسال نمایند تا در ستون "دوربین در شهر"در روزهای یکشنبه به چاپ برسد . عکس ها با ذکر نام عکاس و مکان و تاریخ قابل چاپ می باشد .

بازدید مسئولان بهزیستی و دستگاه قضایی از شیرخوارگاه الزهرا اورژانس ۱۲۳ و مرکزجهش

عکس : علیرضا بهاری

کودکانی گمشده در دالان فراموشی !

تلنگر

پرسه در شهر

شاید بارها از ضرورت جمع آوری متکدیان و آثار منفی حضور آنان در کوچه پس کوچه ها و خیابان های شهرمان گفته و نوشته باشیم،موضوعی که دیگر کاملاً نخ نما شده ! موضوعی که ترجیح می دهی بی تفاوت از آن عبور کنی اما...نمی توانی.پس مجبوری که همچنان بنویسی ! منتها این بارکمی متفاوت تر می بینیم وتنها به چهره ناخوشایند ونازیبای شهرمان که منقش به حضور متکدیان شده،بسنده نمی کنیم،این بار نگاهمان را به سمتی دیگر می کشانیم و موشکافانه تر وریزتر می نگریم. می پرسید از چه می گویم و منظورم چیست ؟نمی دانم شاید شما نیز متوجه شده باشید، از نگاه هایی می گویم که شاید گدایی نکرده باشند اما با آن انس گرفته اند وبادست هایی که همواره روزی خود را از دیگران طلب کرده اند،مانوس شده اند،از نگاه کودکان معصومی می گویم که ناخواسته به خطوط ناپیوسته و دلخراش خیابان های شرجی زده ومملو از بی اعتنایی میخکوب شده اند !

" ببخشید خانم ! یک لحظه ... این بچه مریضه ، شما رو بخدا یک کمکی بکنید ، من تو این شهر غریبم ....

جملات نامانوسی نیستند،درسته؟شما نیز بارها شنیده اید. درست است تعبیر من نیز همین است؛ انگار قصد سوء استفاده از احساسات تو را داشته باشد ! قیافه ای نسبتاً مرتبی دارد، به گداها که نمی ماند پس این دلیل خوبی است برای این که اسکناسی کف دستش نگذاری ! با خودت می گویی بی اعتنا ردشو و در حالی که عبور می کنی ناگهان دلت ریش می شود، نگاهت با نگاه معصوم کودکی ٤ - ٣ ساله گره می خورد انگار که به قلبت چنگ بیندازد.یک دنیا عذاب وجدان سرت آوار می شود و بالاخره پشت سرش ریسه می روی و ناگزیر توقف ! شاید فقط بخاطر معصومیت این نگاه هاست که دست به جیب می شوی و ...

این روزهادرخیابان های پرتردد شهرحتی کوچه پس کوچه های بن بست نیزمی توانی شاهد رد پای این متکدیان باشی،صحنه هایی که دیگر به آنها عادت کرده ای ! اما اگر دقت کرده باشی همه ی آنها در یک چیز مشترک اند وآن هم استفاده از ابزاری است بنام نگاه های معصوم کودکانی که بهانه ای نا خواسته برای به رحم آوردن دل من وتو شهروند می شوند ! کسی چه می داند این کودکانی که بی رحمانه در شهر چرخانده می شوند،آیافرزندان واقعی متکدیان اند یانه؟ ! شاید هم تنهابرای نافذ شدن پیام شان از آنها سوءاستفاده می کنند.می دانید این مسئله کجا بغرنج تر می شود؛ آنجا که جمع دو نفره متکدیان به جمع خانوادگی مبدل می شود وآنگاه در کمال گستاخی وبی آنکه برایشان خجالت آور باشد ، نسخه و دارو بدست نقش مسافر در راه مانده و...را بازی می کنند و طلب استمداد دارند.در برابر افزایش تنوع چهره هایی که با پیام های مختلف یک هدف (تکدی گری)را دنبال می کنند،حس ناخوشایندی به تو دست می دهد، حس بی اعتمادی،تردید و سوء نیت نسبت به افرادی که دستشان به سویمان دراز است؟ ! شاید بهتر باشد کمی منفی بیندیشیم؛ شاید این کودکان جزء کودکان بی سرپرستی باشند که در دالان فراموشی گم شده اند ! وشاید هم فهمیدنش زیاد سخت نباشداینکه؛ در دل این گربه دوست داشتنی (نقشه ایران عزیز)چند هزار کودک این چنین غیر منصفانه مورد سوء استفاده متکدیان قرار می گیرند،کودکانی که برای تربیت یابهتر بگویم برای آموزش اجباری تکدی گری مورد آزار واذیت واقع می شوند ودست های کوچک شان را به حراج ثانیه های تلخ سرنوشت می گذارند وخواسته یاناخواسته سهم بسیار ناچیزی از پول هایی دارند که بهانه جمع شد نشان خود آنها هستند.ازخود می پرسی براستی چه کسی پاسخگوی بی گناهی معصومیت این نگاه ها خواهد بود؟اصلاً این موضوع برای کسی اهمیتی هم دارد؟ ! می مانی که این سناریوی تلخ کودکان متکدی پایانش تا کجاست وبه این می اندیشی که چرا "سوءاستفاده از احساسات تو ومهمتر؛ تاراج احساس کودکی این همه نگاه"فاقد عنوانی مجرمانه است؟ آیا تصور نمی کنید وقت آن رسیده که این کودکان را به عنوان افرادی تحت حمایت قانون و حقوق،به عنوان شهروندان کامل ونه به عنوان مینی انسان یا اموال خانواده هایشان،به رسمیت بشناسیم."طرح جمع آوری متکدیان امسال اجرا می شود "راستش را بخواهید از این جملات شعاری و کلیشه ای دلزده شده ام.

از گفتن و نوشتن این همه درد که ظاهراً درمانی ندارد یا نمی خواهیم مرهمی بر آن بگذاریم ! ا ما ناگزیر باید همچنان قلم زد؛ ازکودکانی که سهم شان از زندگی یک گونی پر رویاهای پابرهنه است،یک گونی پرحسرت از ستاره های نشمرده، پرخاطرات شیرین نداشته ی دوران کودکی، پر آرزوهای نصفه نیمه،پر هیچی... ! دیگر حتی قلمت هم رمقی برای ادامه ندارد چون می دانی گفتن از این معضل شهری نیز"آب درهاون کوبیدن است"می توانید موفق نباشید ...

مکث

غبار فراموشی بر بافت های تاریخی

بافت های تاریخی معمولا دستاورد فرهنگی و تاریخی هر منطقه محسوب می شوندوبه نوعی گنجینه شهرسازی هر شهری به حساب می آیند.به گونه ای که ساخت و سازهای امروزی و مدرن بر پایه حفظ اصالت تاریخی وفرهنگی صورت می گیرد درواقع هر شهری هویت خود را مدیون داشته های تاریخی است.توسعه روز افزون شهر نشینی و نیاز برای یافتن سکونت گاه های جدید،توجه برنامه ریزان شهری را به مناطق جدید معطوف می کند که در این میان توجه به حفظ بافت های تاریخی در مقابل گسترش شهرنشینی باید مورد توجه مدیران شهری و فرهنگی قرار گیرد.شهر بندرعباس به دلیل داشتن موقعیت مناسب تجاری و مهاجر پذیر بودن چند سالی است که مقصد بسیاری از گردشگران از سراسر کشور شده است. مسافرت به استان که معمولاً به دلیل موقعیت تجاری آن است ،می توان در کنار آن آثار تاریخی استان و شهر بندرعباس را به مسافران شناساند تا درکنار آن با آثار تاریخی هرمزگان نیز آشنا شوند معمولاً مهم ترین اصل در جذب گردشگر و بازدید از آثار تاریخی شناسایی بافت های تاریخی و معرفی آن به مردم است.اما در این میان نکته ای که قابل تامل است،عدم شناخت آثار تاریخی استان حتی از سوی شهروندان آن است به گونه ای که ساکنان خود شهرها نیز با آثار تاریخی شهر خود آشنایی ندارند که شاید عدم تبلیغات مناسب را می توان دلیل اصلی این امر دانست بافت های تاریخی به لحاظ قدمت آنها که با گذشت زمان فرسوده می شوند نیاز به توجه ویژه برای احیاومرمت دارند.این آثار فقط مفهوم تاریخی آن مهم نیست بلکه هر بنای هویت هر شهر است که با نوسازی آن می توان آن را به نسل های بعد هم شناساند که در این میان لازم است نوسازی آنها با رعایت الگوهای ویژه ای انجام شود زیرا در غیر این صورت هویت های تاریخی و ارزشمند شهرها از بین می رود.شهر بندرعباس که بناهای مهم تاریخی آن را می توان معبد هندوها و حمام گله داری ذکر کرد. به هر حال مدیران فرهنگی استان باید برای نگهداری آثار تاریخی که به نوعی هویت فرهنگی ما را تشکیل می دهد راهکاری مناسب اتخاذ نمایند تا نسل های آینده نیز این هویت را درک کنند.

دستفروش یا مجرم

رقیه خارا

درمرکز شهردرگوشه وکنارمراکز تجاری وبازارچه ها پس کوچه هایی وجود دارند مملواز زن ومردهایی که با در دست داشتن اجناس درحال جلب مشتری بازار گرمی برای اجناس شان به عابران در حال گذر هستند همین طورکه در حال دیدن این اجناس هستی؛ می گویند: خانم زودباش ولحظه به لحظه به اطراف خودشان نگاه می کنند ودرچشمهایشان اضطراب می بینی وهمین طورکه درحال نشان دادن اجناس است یک دفعه ماموران سدمعبر می آیند؛ یکی صدا می زند شهرداری..... ! از ماشین ها پیاده می شوند و همهمه ای که بین دستفروش ها شنیده می شود بقیه با برداشتن اجناسشان به کوچه ها وخیابان ها فرار می کنندو یکی از مامورین سدمعبر با گرفتن اجناس یکی از دستفروش ها، ویک طرف گونی اجناس در دستش محکم گرفته به طرف خودش می کشد وطرف دیگر را مامور سد معبر می کشد ودهانش را باز می کندو....دستفروش گریه می کند و به پایش می افتد عابرانی که درحال گذر هستند می ایستند نگاهی به آنها می اندازند و سرشان را تکان می دهند ومی روند وبعضی شان در گوش هم پچ پچ می کنند وقتی مامورین می روند دستفروش ها یکی یکی از راه می رسند و به طرف او می روند و دلداریش می دهند .

دستفروشی درشهرما ودیگر شهرهای کشور ودرکل دنیا مرسوم است ودلیل آن هم از یک طرف تراکم جمعیت می باشد که این تراکم جمعیت باعث شده که حتی مکان های مشخص شده برای دستفروش ها جوابگوی آنها نباشد ومکان مناسبی برای دستفروش ها وجود نداشته باشد ودیگر آنکه عدم امنیت شغل مناسب .

درحال حاضر مکانی قانونی از طرف شهرداری بندرعباس برای دستفروش ها وجودندارد وآنهامجبورند برای درآوردن یک لقمه نان هر جا که حضور مشتریان را حس کردند اجناسشان را بفروشند تا لقمه نانی سر سفره شان ببرند.

اما این مسئله هم باعث بروز مشکل تردد برای عابران شده و همین طورنارضایتی بعضی از مغازه داران که جنس مشابه ای با این دستفروش ها دارند با توجه به اینکه مالیات،عوارض،برق و آب پرداخت می کنند وامروزه حضوردستفروش هامعضلی در مدیریت شهری به شمار رفته؛ مسئولین به جای اینکه هزینه کنند و فردی را برای این کار استخدام کنند تا بیایند با این افراد برخورد کرده ودرگیر شوند ودر آخر هم به هیچ نتیجه مطلوبی نرسند وبهتر است این هزینه را جهت ساماندهی دستفروشان صرف نمایند تا آنها بتوانند اجناس خود را بهتر بفروشند ومنبع درآمدی برای خود داشته باشند .

در یکی از کوچه های شهر دستفروش هندوانه های خودش را کنار دیوار روی هم ریخته و به شرط چاقو هندوانه می فروشد؛ می گوید: مکانی برای فروش هندوانه هایم وجود ندارد به خاطر همین دراینجا درحال فروش هستیم تا زمانی که مامورین سد معبر بیایند،اگر هم بیایند تمام هندوانه هایم را جمع می کنند و این تمام سرمایه من است .

یکی دیگر از دستفروش ها که پیرمردی است ودرحال فروش پیاز است می گوید: همیشه با مامورین درگیر هستیم؛ بعضی وقتها با ما کنار می آیند،بعضی وقتها هم کنار نمی آیند. تا حالا در مورد این مشکل با شهردار صحبت کردی؟ باخنده می گوید: ماحتی روزهای سه شنبه که ملاقات با شهردار است نتوانستیم صحبت کنیم من الان ده سال است که دراین کارم واین مشکل بوده و هست حتی با بودن بازارچه ۲۲ بهمن الان دیگر در همان جا هم مکانی وجود ندارد؛ پس ما باید چه کار کنیم وقتی شغلی نیست زن وبچه های ما چه گناهی کرده اند ما که بومی اینجاییم باید به کجا مهاجرت کنیم؟ !

درخصوص دستفروش های غیرقانونی قائم مقام خدمات شهری می گوید: دستفروش های غیرقانونی طبق قانون مجرم هستند و باید ارگان هایی مثل نیروی انتظامی ما را در این کار همراهی کنند وظیفه نیروی انتظامی برقراری امنیت است واین دستفروش ها با ازدحام در کوچه ها و خیابان ها باعث سدمعبر می شوندودرحال حاضر به تنهایی با آنها برخورد می کنیم و از طرف دیگر اداره کار هم باید آنها را سروسامان بدهند.

خادمی درخصوص بدرفتاری بعضی ازمامورین سدمعبر با دستفروش هاخادم افزود: مامورینی که در این کار گماشته ایم قبل از هرچیزی آموزش می بینند که با دستفروش ها چه برخوردی داشته باشند مامورین ما هیچ گونه بدرفتاری با دستفروش ها نداشته مگراینکه دستفروش هابدرفتاری نمایندامااین دستفروش ها اتفاق افتاده که به مامورین ما صدمه زده اند.

وی در ادامه بیان نمود: در حال حاضر در بازارچه ۲۲ بهمن جایی برای دستفروش ها وجود ندارد و در برخورد با دستفروش های غیرقانونی ٤٠ نفر از مامورین ما حکم دارند که این افراد را دستگیر و به کلانتری تحویل بدهند.

وی در پایان اظهار داشت: اجناسی که گرفته می شود اگر خوراکی باشد توسط مامورین به بهزیستی تحویل داده می شودواگر غیر خوراکی باشد با گرفتن مبلغی برای جریمه از دستفروش ها اجناس آزاد می شود.

وقتی که هیچ کدام از سازمان ها تمهیداتی برای این افراد که از صبح تا شب برای اینکه نانی سرسفره خانواده شان ببرند،بدون هیچ امکاناتی وچشم داشتی برای فروختن اجناسشان زحمت می کشند؛ فراهم نمی کنند.

به جای اینکه با این افراد صحبت کنیم وبرای مشکلشان راه حلی پیدا کنیم،می گوییم: کارشان خلاف قانون است هزینه صرف می کنیم تاحذف شان کنیم.

درپایان؛ بندرعباس شهردستفروش هاست،دستفروش هایی که اوج بودنشان روزهای پایانی سال و تعطیلات است از آن جایی که راه کار اساسی برای ساماندهی و استقرار آنها در محدوده خاص درایام تعطیل اندیشیده نشده از مسئولین ذیربط انتظارمی رود فکری به حال این موج در حال گسترش بشود .

هر شهروند ، یک خبرنگار

بی توجهی مسئولان بیمارستان به مصدومی که جان باخت !

حدودسه هفته پیش یک مصدوم تصادفی را بصورت اورژ انسی به بیمارستان شهید محمدی بندرعباس رساندیم.این مصدوم بدلیل تصادف وحشتناکی که داشت ،ازناحیه پاها،دست ولگن دچار شکستگی شدید وقسمت زیر شکم وی نیز دچار پارگی شده بود به نحوی که از درد زیاد ناشی از شکستگی ها و خونریزی شدید،رنج بسیاری می برد.امامتاسفانه هیچگونه اقدام بایسته ای به جزء چند مورد شستشوی زخم و تزریق خون به این بیمار در بیمارستان شهید محمدی صورت نگرفت و پس از۳روز پزشک متخصص ارتوپداعلام نمود که بدلیل شدت جراحات وارده بویژه درقسمت لگن مصدوم،امکان مداوای وی در بندرعباس مقدور نبوده و باید منتظر بمانیم تا اگر در یکی از بیمارستان های تهران،شیراز ویا کرمان جای خالی پیدا شد،مصدوم را به آنجا منتقل نمائیم.خلاصه اینکه پس از پیگیری های فراوان،توانستیم از طریق یکی از آشنایان در تهران،با یک پزشک متخصص جراح هماهنگی نموده تا مصدوم را به تهران اعزام نماییم اما با کمال تعجب با مخالفت مسئولان بخش بیمارستان شهید محمدی مواجه شدیم که می گفتند"شما باید بارضایت خود بیمار وی را مرخص کنید"واینگونه از اعزام وی شانه خالی کردند . به هر صورت،در پایان روز سوم خوشبختانه بیمارستان شهید باهنر کرمان اعلام پذیرش نمود ومادرحالیکه خوشحال بودیم از اینکه بالاخره می توانیم عمل جراحی بیمار خود را در آن بیمارستان به سرانجام برسانیم،درکمال تعجب با نبود آمبولانس در بیمارستان شهید محمدی بندرعباس مواجه شدیم که در این رابطه مسئولان مربوطه گفتند"باید بیمار خود را با آمبولانس خصوصی منتقل نمائید وتمامی هزینه های مربوط به انتقال مصدوم نیز بر عهده خودتان می باشد."عدم همکاری مسئولان بیمارستان شهید محمدی و دکتر در ارایه معرفی نامه جهت انتقال سریع بیمار به مراکز درمانی سایر شهرهای کشور،عدم انجام مراقبت های لازم و اقدامات فوری از یک بیمار اورژانسی که از چندین ناحیه دچار شکستگی و پارگی و خونریزی شدید شده ،به نحوی که پس از گذشت ۳ روز ، پزشک ارتوپد از عدم توانایی مداوای بیمار و جراحی لگن وی خبر می دهد، تحمل ۳روز درد و رنج از سوی بیمار ونگرانی واضطراب وفشار روحی وروانی همراهان وی ،بدون اینکه هیچ کار مثبت ومفیدی برای درمان بیمار صورت پذیرد وبا تلف شدن ساعات متمادی سرنوشت ساز برای این بیمار،بدون آنکه کسی خودرا مقید به پاسخگویی دانسته واحساس مسئولیت نماید،همگی باعث شد تا پس از پرداخت۳۵۰هزار تومان هزینه آمبولانس خصوصی انتقال مصدوم به بیمارستان شهید باهنر کرمان و علیرغم انجام اقدامات اورژانسی وانجام چندین عمل جراحی بر روی نامبرده،متاسفانه این مصدوم پس از ۱۰روز جان بسپارد وهمه را در بهت و حیرتی باورنکردنی فرو گذارد ! براستی چه کسی در این میان پاسخگو ست ؟این در حالی است که مشابه اینگونه مصدومین که به بیمارستان شهید محمدی مراجعه می کنند، بسیار است ! ! !

یکی از بستگان متوفی

موسسه حسابداری و حسابرسی امید گامبرون جنوب ثبت (۴۷۶)

*حسابداری حسابرسی * تهیه اظهار نامه مالیاتی و بیمه ای * تهیه صورتهای مالی فارسی و انگلیسی
* طراحی سیستم کنترل داخلی * تنظیم گزارشهای مالی جهت بانکها و سایر موسسات مالی و اعتباری -
*تامین و آموزش کادر موسسات و شرکتها * تهیه صورتهای مالی از مدارک ناقص اصلاح حسابها و...

E-mail:
omid gamberoon jonoob@gmail.com

تلفن تماس :
۰۹۱۷۳۶۸۶۶۲۶ خاکسارنژاد ۰۹۱۷۱۶۳۵۲۵۱

شرکت خدمات مالی و حسابرسی عصر دانش بندر (سهامی خاص) ثبت ۶۲۵۲تاسیس ۱۳۸۲

حسابداری
تامین کادر مالی
حسابرسی
تهیه صورتهای مالی
تهیه اظهار نامه مالیاتی
اعتبارات و خزانه داری
مشاوره مالیاتی و بیمه ای
اصلاح حسابها و رسیدگی اسناد

عصر دانش بندر

تلفن تماس :
۰۹۱۷۳۶۸۴۴۱۶محمد حسینی

E-mail:
Asrdanesh۸۲@ yahoo.com